



عبدالاحمد فیض

طرح امریکایی ریفورم در سازمان ملل، اصلاح یا تضعیف؟

هجدهم سپتامبر سال روان روز فوق العاده مهم در تاریخ هفتاد و دو ساله سازمان ملل متحد محسوب می‌گردد زیرا این بار نخست در حیات کاری این نهاد معتبر جهانی است، که چگونگی و نحوه فعالیت این نهاد بین المللی مورد اعتراض ایالات متحده یعنی کشوری قدرتمندی صورت می‌گیرد که نقش بارزی در ایجاد سازمان ملل داشته و بزرگترین تمویل کننده مالی آن محسوب می‌گردد. اعتراض ایالات متحده و طرح اصلاح سازمان درست در چنان فرصتی تاریخی ابراز گردید که ایالات متحده نشست ویژه ای را در تاریخ فوق یعنی یکروز قبل از اجلاس سالیانه مجمع عمومی به اشتراک رهبران کشورهای جهان میزبانی نمود که بدعوت واشنگتن در مقر ملل متحد در نیویورک دایر گردید. جلسه با بیا نیه رئیس جمهور ترامپ آغاز گردیده و موصوف ضمن انتقاد شدید از نحوه فعالیت، وجود بروکراسی فرساینده و اجراءات این نهاد جهانی و نقایص عدیده ساختاری آن، انجام ریفورم در سازمان را مطرح نموده و اذعان داشت که ملل متحد به باشگاهی برای سخن گفتن و خوشگذرانی مبدل گردیده و آنرا برای امریکا غیر قابل پذیرش عنوان نمود، البته این سخنان در حالی ابراز گردید که قبل بر آن یعنی بتاريخ پانزدهم سپتامبر نیکی هیلی نماینده امریکا در پرس کنفرانس خود در کاخ سفید از طرح ده فقره ای ایالات متحده به هدف اصلاح سازمان ملل متحد پرده برداشت و خاطر نشان ساخت که رئیس جمهور ترامپ خواهان اصلاحات بیدرنگ ساختاری ملل متحد، موضوع حقوق بشر و ماموریت صلح‌بانی سازمان است. همچنان وی اذعان داشت که تاکنون (۱۲۰) کشور طرح امریکائی اصلاحات در ملل متحد را پذیرفته اند.

به گزارش رویتر، نماینده واشنگتن در کنفرانس خبری اش افزود که ایالات متحده در حال حاضر (۲۲) درصد مخارج معادل (۵،۴) میلیارد دلار بودجه سالانه و (۲۸،۵) درصد از بودجه (۷،۳) میلیارد دلاری ملل متحد برای ماموریت حفظ صلح را می‌پردازد که غیر عادلانه بوده و ایالات متحده خواهان کاهش (۵۰۰) میلیارد دلار در مخارج سازمان ملل متحد و تقسیم مساویانه بودجه سازمان بر همه اعضای آن است. هکذا نماینده امریکا در زمینه وضعیت حقوق بشری تصریح نمود که دولت ترامپ در برابر دولت‌های که حقوقی بشری را زیر پا نموده و با برخورد غیر عادلانه در برابر مردمش قرار می‌گیرند ساکت

نمانده و بایست منتظر عواقب آن باشد که مسلماً این بخش صحبت وی از منظر حقوقی و سیاسی قابل مکت بوده است.

باتوجه به طرح امریکائی انجام ریفورم و اصلاحات در سازمان ملل متحد بایست اذعان داشت که علی الرغم موقف کنونی ایالات متحده و جدیت واشنگتن در آوردن اصلاحات در یک چنین نهاد معتبر جهانی که در ظاهر امر در نوع خود گام بزرگی در راستای اصلاح ساختار پوشالی سازمان ملل بحساب می‌آید، بایست خاطرنشان ساخت که موضوع انجام اصلاحات ساختاری و ماهیوی در ملل متحد از سالهاست که با در نظر داشت پیچیدگی اوضاع بین المللی و ظهور فکتور های جدید در مناسبات جهان کنونی نزد محافل سیاسی و حقوقی در سطوح مختلف مطرح است، آگاهان و پژوهشگران روابط بین المللی معتقد هستند که با توجه به این اصل حاکم که نمیتوان با وسایل و ابزارهای کهنه به حل دشواری ها و معضلات نوین فایق آمد، پیوسته به عدم کارائی، ضعف مدیریت و ناکامی سازمان در حل و فصل مشکلات دوران کنونی تاکید داشته و انجام ریفورم بنیادی، عادلانه، عاری از تبعیض و مبتنی بر انکشافات اوضاع بین المللی را یگانه راه و وسیله برای بقای ملل متحد و حفظ صلح و امنیت جهانی عنوان نموده است. اما آیا طرح پیشنهادی ایالات متحده متضمن تغییرات اساسی در نحوه عملکرد و اصلاحات بنیادی درین نهاد جهانی خواهد بود؟

باورم اینست که سازمان ملل متحد مقدم بر همه از داشتن حق ویتو در شورای امنیت آن سازمان رنج میبرد که نیازمند اصلاحات ضروری است، شورای امنیت با داشتن پنج عضو دائمی دارنده حق ویتو (ایالات متحده، فدراسیون روسیه، بریتانیا و جمهوری خلق چین) و ده عضو غیردائمی که برای مدت دو سال از میان کشورهای عضو از سوی مجمع عمومی انتخاب میگردد، غیرعادلانه ترین ساختار مبتنی بر تبعیض را در ملل متحد به نمایش گذاشته است. گذشته تاریخی فعالیت شورای امنیت بوضوح نمایانگر آنست که اعضای دایم شورای امنیت و دارنده حق ویتو، پیوسته از صلاحیتهای گسترده شورای امنیت استفاده ابزاری نموده و حق ویتو خویش را در راستای تحقق اهداف راهبری خود قرار داده است که با مقاصد بنیادی ملل متحد و مفاد مندرج در منشور در تناقض آشکار قرار دارد. هکذا دارندگان حق ویتو، پیوسته تصامیم جمعی مبنی بر جلوگیری از تجاوز، قطع حملات مسلحانه و حضور اشغالگرانه قدرت های بزرگ را در نقاط مختلف جهان و در امتداد تاریخ فعالیت ملل متحد خنثی و بی نتیجه نموده است و همچنان شورای امنیت علی الرغم صلاحیتهای گسترده در منع تجاوز مسلحانه قدرتهای معین کوتاه آمده و قادر نبوده است تا مانع اقدا ماتی گردد که با در نظر داشت احکام منشور تجاوز تعریف میگردد بگونه مثال حمله مسلحانه ائتلاف غرب بر هبری امریکا در عراق در مارچ (۲۰۰۳) که بدون تجویز شورای امنیت بوقوع پیوست و غیره.

همچنان ترکیب غیرعادلانه شورای امنیت در خصوص اعضای غیردایم در آن شورا ماهیت تبعیض آمیز این نهاد قدرتمند را بیش از پیش متبازر نموده است، چنانچه بر بنیاد نظریات آگاهان امور ملل متحد از مجموع (۱۹۳) کشور عضو سازمان ملل متحد (۱۲۲) کشور تاکنون حتا برای یکبار به عضویت غیردائمی شورای امنیت انتخاب نگردیده است. هکذا ترکیب شورای امنیت با توجه به بزرگی و جمعیت انسانی نیز مورد اعتراض جدی محافل حقوقی قرار دارند، در ترکیب فعلی شورای امنیت، قاره اروپا دارای سه کرسی عضویت دایم است در حالیکه قاره بزرگ افریقا با داشتن (۵۳) کشور و جمعیت عظیم انسانی عملن در فقدان حق نمایندگی بسر میبرد. هکذا در قاره آسیا و حوزه پاسفیک جمعاً (۵۶)

کشور موقعیت داشته که با در نظر داشت بالندگی اقتصادی و جمعیت انسانی از حق نمایندگی و مؤثریت لازم در شورای امنیت برخوردار نبوده است .

افزون برین وباتوجه به نگاه های منتقدان ، مجمع عمومی که از ترکیب عادلانه وساختار قابل قبولتری در مقایسه به شورای امنیت برخوردار است ، به استثنای رهبری مالی، اداری و پذیرش اعضا و غیره در عمل در فقدان صلاحیتهای لازم حقوقی قرار داشته و از نفوذ گسترده شورای امنیت، تداخل کاری و اعمال نفوذ شورای امنیت متأثر است که بوضوح لزوم اصلاحات اساسی را در دستور روز قرار میدهد.

فلهذا علی الرغم اینکه انجام ریفورم واصلاحات در سازمان ملل متحد با در نظر داشت چگونگی ساختاری و ماهیوی سازمان و بر بنیاد فکتورهای فوق بیک نیاز تأخیر ناپذیری مبدل گردیده است و اما در طرح اصلاحی واشنگتن هیچ نشانه ای از اجرای یک ریفورم بنیادی که به دگرگونیهای اساسی ومورد نیاز منتج گردد ، به نظر نرسیده وجانب ایالات متحده در تلاش است تا با کاربرد ابزارهای فشار مالی وسیاسی بر سازمان ، انجام اصلاحات را درین نهاد جهانی در سه محور یعنی کاهش بودجه ، مأموریت صلح با نی ونحوه برخورد وموقفگیری جهانی در قبال نقض استانداردهای جهانی حقوق بشر در چهارچوب مرزهای ملی کشورهای معین متمرکز نماید واز سازمان خواهند خواست تا با تجدید نظرو تعدیلات در منشور، میکانیزمهای نوین مقابله با عاملان نقض حقوق بشری را مورد تصویب قرار دهد که این امر موجب خواهند شد تا زمینه مداخله قدرتهای بزرگ در امور داخلی کشورهای مستقل دیگر بهانه نقض حقوق بشری بیش از پیش فراهم گردد وهمچنان کاهش بودجه سازمان با در نظر داشت گسترش ابعاد بحران وتشنج ناشی از نبردهای تروریستی، تشدید مداخلات بی رویه خارجی در امور دیگران در نقاط مختلف جهان ونیز گسترش فقر در عرصه جهانی پیامد جز تضعیف ملل متحد نداشته واجرای اصلاحات درین نهاد جهانی شعاری بیش نخواهد بود.